

Analysis of the Insolvency of a Legal Entity Litigation Costs in Iranian Law and Judicial Procedure



Ali Yarinezhad

PhD student in private law, University of Judicial Sciences
and Administrative Services Tehran, Iran.
Aliyari1375211@yahoo.com



Abstract

In the Iranian legal system, the recognition of legal entities right to file for relief from litigation costs –especially non-commercial legal entities– there is disagreement and it has been less subject to legal analysis. The dispute centers not on insolvency concerning a judgment debt, but rather on the inability to afford litigation expenses. Although Article 15 of the Law on the Enforcement of Financial Judgments ostensibly prohibits the acceptance of insolvency claims by legal persons, a careful interpretation of its language, coupled with a principled legal analysis, reveals that the prohibition pertains exclusively to the enforcement of financial judgments and not to procedural costs associated with accessing justice. From a legal standpoint, the institution of insolvency is not inherently exclusive to natural persons. Its foundational purpose is to safeguard litigants who lack financial means—a protection that logically extends to legal persons, especially those lacking steady revenue streams.

Journal of Research and
Development in Private Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 2 | No. 4 | Fall 2025 Winter
2026 (Original Article)

www.jpl.illrc.ac.ir

DOI:
10.22034/jpl.2025.2053164.1191

Further, relevant provisions of Iran's Civil Procedure Code do not contain any express prohibition against legal persons filing for insolvency. The rejection of such claims by non-commercial legal entities, such as charitable organizations and public-interest foundations, conflicts with fundamental principles including access to courts and procedural justice. Denying them the opportunity to seek cost exemption risks undermining their legal rights and contravenes public order. Through a descriptive-analytical methodology and grounded in library-based research, judicial rulings, and advisory opinions, this article argues that the prohibition on accepting exemption from litigation costs by non-commercial legal entities lacks a strong argumentative basis and conflicts with general legal rules and principles, including public judicial protection. It is concluded that non-commercial legal entities should be granted the ability to file for insolvency regarding court fees, based on their specific financial circumstances.

Keywords: Insolvency of a legal entity, Exemption from litigation costs, Government insolvency, Non-commercial person



واکاوی اعسار شخص حقوقی از هزینه دادرسی در حقوق ایران و رویه قضایی ایران

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه علوم قضایی، تهران، ایران
Aliyari1375211@yahoo.com

علی یاری نژاد



موسسه تخصصی پژوهش و توسعه حقوق خصوصی
Research Institute for Private Law Studies

پژوهشگاه حقوقی و قانون ایران
Iranian Law and Legal Research Institute

چکیده

در نظام حقوقی ایران، پذیرش دعوای اعسار از هزینه دادرسی توسط اشخاص حقوقی، به‌ویژه اشخاص حقوقی غیرتاجر، موضوعی اختلافی و کمتر مورد تحلیل حقوقی قرار گرفته است. در این زمینه، آنچه محل مناقشه قرار دارد اعسار از هزینه دادرسی است، نه اعسار از محکوم‌به؛ هرچند ماده ۵۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی به‌ظاهر مانع پذیرش اعسار اشخاص حقوقی گردیده، اما با تحلیل منطوق و مفهوم ماده و نیز بررسی اصول کلی حقوقی، می‌توان چنین استنباط کرد که ممنوعیت مورد اشاره ناظر به محکوم‌به بوده و قابل تسری به هزینه‌های دادرسی نیست. از منظر حقوقی، نهاد اعسار مختص اشخاص حقیقی نبوده و ماهیت آن بر اساس نیازمندی به حمایت قضایی در صورت عدم تمکن مالی شکل گرفته است؛ امری که می‌تواند به اشخاص حقوقی نیز تسری یابد. مفاد قوانین آیین دادرسی مدنی نیز خصوصاً هلفندگسریچی نسبت به اعسار اشخاص حقوقی نیست. افزون بر آن، پذیرش این دعوا از سوی نهادهای غیرانتفاعی و موسسات خیریه که فاقد درآمد مستمر هستند، منطبق با اصل دسترسی به محاکم و اصل عدالت قضایی تلقی می‌گردد. انکار حق طرح دعوای اعسار توسط این نهادها منجر به نقض حقوق

دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی

پژوهشگاه حقوق و قانون ایران

دوره ۲ | شماره ۳ | پاییز و زمستان ۱۴۰۴
(مقاله پژوهشی)

www.jpl.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/jpl.2025.2053164.1191

بنیادین و مداخله در نظم عمومی خواهد بود. مطابق بررسی‌های صورت‌گرفته در این مقاله به روش تحلیلی-توصیفی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، آرای قضایی و نظریات مشورتی، نتیجه حاصل شده آن است که منع پذیرش اعسار از هزینه دادرسی توسط اشخاص حقوقی غیرتاجر فاقد مبنای استدلالی قوی بوده و با قواعد و اصول کلی حقوقی، از جمله حمایت قضایی همگانی، در تعارض است. در نتیجه، این اشخاص باید بتوانند به موجب وضعیت مالی خاص خود، دادخواست اعسار از هزینه دادرسی را تقدیم نمایند.

کلیدواژه‌ها: اعسار شخص حقوقی، معافیت از هزینه دادرسی، اعسار دولت، شخص غیرتاجر

مقدمه

یکی از مهم ترین بخش های دادرسی در کشورهای مختلف پرداخت هزینه دادرسی می باشد، پرداخت این هزینه ملازمه با شروع به رسیدگی دارد که شاکی در دعوی کیفری و یا خواهان در دعوی مدنی و حقوقی ملزم به پرداخت آن است اولین قوانینی که در رابطه با هزینه دادرسی تصویب شد می توان به قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب سال ۱۲۹۰ اشاره کرد که از «مخارج عدلیه» نام برده است و از قانون آیین دادرسی سال ۱۳۱۸ عبارت هزینه دادرسی وارد حقوق شده و قاعده تعیین بهای خواهی خواسته به عنوان عامل تعیین هزینه دادرسی مورد پذیرش قرار گرفت (ادبی فیروزجایی، ۱۴۰۱: ۴۸۵) در مواردی پرداخت این هزینه ممکن است برای خواهان یا شاکی مقدور نباشد و در نتیجه وی را از رسیدن به حقوق خود منصرف سازد و از حق دادخواهی خود استفاده نکند در اینجاست که نهاد اعسار از هزینه دادرسی به کمک شخص می آید و می تواند از پرداخت این هزینه موقتاً معاف شود.

اعسار مصدر باب افعال از ریشه عسر و به معنای تنگدستی و نیازمند شدن و به تنگنی افتادن می باشد (فصیحی زاده و اسعدی، ۱۳۹۶: ۱۰۲) در واقع اعسار صفت شخص معسر است، در تعریف قانونی معسر در ماده ۶ ق.ن.ا.م.م این گونه آمده است که: «معسر کسی است که به دلیل نداشتن مالی به جز مستثنیات دین، قادر به تأدیه دیون خود نباشد.

تبصره - «عدم قابلیت دسترسی به مال در حکم نداشتن مال است. اثبات عدم قابلیت دسترسی به مال برعهده مدیون است.» ماده ۵۰۴ ق.ا.د.م نیز بیانی مشابه این ماده معسر را تعریف کرده است. اعسار می تواند در دو بخش مطرح شود اعسار از هزینه دادرسی و اعسار از محکوم به. اگرچه مقنن با نهاد اعسار سعی داشته است که تظلم خواهی و دادخواهی افراد و اشخاص جامعه به دلیل عدم تمکن مالی محدود نشود. اما در گستره اشخاصی که امکان تمسک به این نهاد را دارند اختلاف نظر وجود دارد به طوری که مطابق تلقی موجود در نظر حقوق دانان و ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای احکام مالی در خصوص

اشخاص حقوقی غیر تاجر نیز چنین امری با مانع مواجه است. در واقع محقق با این سوال مواجه می‌شود که آیا طرح دعوی اعسار از هزینه دادرسی توسط شخص حقوقی غیر تاجر از نظر قانونی و تحلیل حقوقی امکان پذیر است یا خیر؟ اگر دارای منع قانونی است کدام نص قانونی چنین امری را منع کرده است آیا تمسک به ماده ۱۵ ق.ن.ا.م.م.م توجیه گر عدم امکان اعسار توسط اشخاص حقوقی می‌باشد، اگر از جنبه تحلیلی و اصول حقوقی منعی وجود دارد ادله این منع چه مواردی می‌تواند باشد. در ادامه ضمن بررسی امکان اعسار و عدم امکان این امر توسط اشخاص حقوقی به نقد ادله مخالفین این امر پرداخته می‌شود و ادله امکان پذیرش اعسار این اشخاص را بررسی می‌کند.

پیشینه پژوهش: مقاله حاضر با بررسی موضوع اعسار شخص حقوقی از هزینه دادرسی، رویکردی نوآورانه و در حوزه حقوقی دارد. تاکنون در مقالات و منابع موجود، پژوهشی مستقل به بررسی امکان یا عدم امکان اعسار اشخاص حقوقی از پرداخت هزینه های دادرسی نپرداخته است. این خلأ پژوهشی موجب شده تا رویه قضایی و دکنترین حقوقی در مواجهه با این مسئله، با ابهامات و چالش‌های قابل توجهی روبه‌رو شود. مقاله حاضر با تمرکز بر این مسئله، چارچوبی نظری برای بررسی امکان توسل اشخاص حقوقی به نهاد اعسار ارائه می‌کند.

جنبه نوآورانه این پژوهش تنها به طرح موضوع محدود نمی‌شود، بلکه با تحلیل آرای محاکم قضایی و نظریه های مشورتی مرتبط، به جنبه کاربردی موضوع پرداخته و قضات و وکلا با بهره گیری از آن می‌توانند در مواجهه با پرونده‌های مشابه، با استناد به مبانی حقوقی مستحکم تر و رویه های شفاف تر، اتخاذ تصمیم کنند.

۲. ادله عدم امکان درخواست اعسار از هزینه دادرسی توسط شخص حقوقی

برای این مورد به دلایلی چند تمسک جسته می‌شود که در ادامه به بررسی این موارد پرداخته می‌شود.

۲/۱. ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی

قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در ماده ۱۵ مقرر می‌کند که: «دادخواست اعسار از تجار و اشخاص حقوقی پذیرفته نمی‌شود. این اشخاص در صورتیکه مدعی اعسار

باشند باید رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند. تبصره - اگر دادخواست اعسار از سوی اشخاص حقوقی ... طرح شود، دادگاه بدون اخطار به خواهان، قرار رد دادخواست وی را صادر می کند». بر اساس این ماده اعتقاد بر این به وجود آمده است که اشخاص حقوقی امکان درخواست اعسار را اعم از اعسار از هزینه دادرسی و اعسار از محکوم به ندارند.

۲/۲. اختصاص اعسار به شخص حقیقی

یکی از ادله ای که در این خصوص بیان می شود این است که نهاد اعسار مختص به شخص حقیقی است نه شخص حقوقی، این امر در آرای برخی محاکم نیز مشاهده می شود، در دادنامه شماره ۱۹۰۵۹۶۱۰۰۰۱۴۹۳۹ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۱ شعبه ۵ دادگاه عمومی حقوقی شاهرود آمده است که مطابق ماده ۵۰۶^۱ و ۵۱۰^۲ قانون آیین دادرسی مدنی دعوای اعسار مخصوص اشخاص حقیقی است و از بین این اشخاص حقیقی تاجر خروج موضوعی دارد؛ لذا ارفاق قانون مشمول اشخاص حقوقی نمی شود. این استدلال در واقع دارای توجیه و استدلال درستی نیست (قسمتی تبریزی، ۱۴۰۳: ۴۲). در آرای دیگر محاکم نیز چنین نظری دیده می شود شعبه ۱۸ تجدیدنظر استان تهران دادنامه شماره ۱۱۱۲۰۲۲۱۸۰۲۲۱۸۰۹۹۷۰۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۰۸/۲۷ بیان می دارد که: «مقنن به شرح ماده ۵۰۴ از قانون آیین دادرسی^۳ مدنی در مقام تعریف از معسر از واژه کسی استفاده نموده که این واژه صرفاً ناظر بر اشخاص حقیقی بوده و تسری به اشخاص حقوقی ندارد و ثانیاً مؤسسه خیریه درمانی س. دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و در اداره ثبت شرکتها به

^۱ در صورتی که دلیل اعسار شهادت شهود باشد، باید شهادت کتبی حداقل دو نفر از اشخاصی که از وضعیت مالی و زندگانی او مطلع می باشند به دادخواست ضمیمه شود.

^۲ اگر معسر فوت شود، ورثه نمی توانند از حکم اعسار هزینه دادرسی مورث استفاده نمایند، لکن فوت مورث در هر یک از دادرسی های نخستین و تجدید نظر و فرجام مانع جریان دادرسی در آن مرحله نیست و هزینه دادرسی از ورثه مطالبه می شود، مگر آنکه ورثه نیز اعسار خود را ثابت نمایند.

^۳ معسر از هزینه دادرسی کسی است که به واسطه عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود به طور موقت قادر به تأدیه آن نیست.

شماره ... به ثبت رسیده است ثالثاً مطابق صراحت ماده ۵۱۲ از قانون مرقوم از شخص حقوقی درخواست اعسار پذیرفته نمی‌شود». همچنین در دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۳۵۰۰۶۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۰۸/۲۰ شعبه ۱۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران بیان می‌دارد که: «در مورد دعوی شرکت تولیدی و مهندسی الف. به طرفیت خوانده مبنی بر اعسار با توجه به اینکه دعوی اعسار صرفاً از اشخاص حقیقی پذیرفته می‌شود». این رای در دادگاه تجدیدنظر تایید می‌شود.

همین استدلال در دادنامه دیگری به شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۳۰۱۲۷۴ مورخ ۱۳۹۱/۰۹/۲۹ توسط شعبه ۱۸۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران بیان می‌شود و مورد تایید دادگاه تجدید نظر قرار می‌گیرد مطابق این دادنامه: «مستفاد از مواد ۵۱۲ و ۵۱۰ و ۵۰۴ قانون آیین دادرسی مدنی اشخاص حقوقی قادر به ارائه دادخواست اعسار از هزینه دادرسی نمی‌باشند و صرفاً اشخاص حقیقی می‌باشند که می‌توانند مبادرت به تقدیم دادخواست اعسار نمایند». در این زمینه همچنین می‌توان به دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۳۷۰۱۵۳۱ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۷ شعبه ۳۷ دادگاه تجدید نظر استان تهران اشاره کرد که درخواست اعسار شرکت با مسئولیت محدود را به استناد ماده ۵۱۲ ق.آ.د.م به دلیل تاجر بودن، شخص حقوقی بودن و به ثبت رسیدن شرکت نپذیرفته است.

۳. نقد ادله عدم امکان درخواست اعسار توسط شخص حقوقی

همچنان که بیان شد محاکم و گروهی که درخواست اعسار را برای شخص حقوقی ممتنع می‌دانند به مواد ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و برخی مواد دیگر از جمله ماده ۵۰۴، ۵۰۶، ۵۱۰ و ۵۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی استناد می‌کنند.

- در این راستا باید گفت که ماده ۱۵ ق.ن.ا.م.م در خصوص ممنوعیت درخواست اعسار توسط اشخاص حقوقی منصرف از اشخاص حقوقی غیرتاجر (علی‌زاده و علی‌زاده ۱۳۹۶: ۱۰۶) و همچنین منصرف از اعسار از هزینه دادرسی می‌باشد و ماده مذکور در مقام بیان ممنوعیت اعسار از محکوم‌به می‌باشد، همچنان که این ماده قانونی ذیل عنوان قانون که در مورد «محکومیت‌های مالی» است می‌بایست تفسیر شود و محکومیت مالی ناظر به

جایی است که شخص اعم از حقوقی و حقیقی ملزم به پرداخت مالی می‌شود در اینجا اعسار وی از پرداخت محکوم به پذیرفته نمی‌شود. برخی نیز در همین راستا با توجه به مشکلات فراوان عدم قبول اعسار از مطلق اشخاص حقوقی، تردیده کرده‌اند که ممکن است مقنن با فرض بازرگانی بودن شخص حقوقی چنین حکمی را پیش بینی کرده است (محسنی، ۱۳۹۵: ۹۶). همچنین باید در نظر داشت که ممکن است شخص حقوقی غیرتاجر مانند موسسه خیریه یا آموزشی در راستای امور خود قراردادی منعقد کند و از دیگری طلبکار شود و این طلب به حدی باشد که برای این موسسه و شخص حقوقی امکان پرداخت هزینه دادرسی ممکن نباشد و گردش مالی آن به حدی نباشد که پاسخگوی چنین مبلغی باشد در اینجا به چه دلیلی می‌بایست درخواست اعسار شخص حقوقی را ممنوع دانست.

- در خصوص ماده ۵۰۴ قانون آیین دادرسی مدنی استدلال به این ماده این است که مقنن معسر از هزینه دادرسی را «کسی» دانسته است که واسطه عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود به‌طور موقت قادر به تأدیه آن نیست. در حالی که اگر منظور قانون‌گذار شخص حقوقی نیز می‌بود واژه «کسی» را استعمال نمی‌کرد؛ لذا این ماده صرفاً اشخاص حقیقی را مد نظر دارد نه اشخاص حقوقی. در نقد این عقیده باید گفت که اگرچه این دقت حقوقی در میان حقوق دانان وجود دارد اما صرف استفاده از یک واژه آن هم به دلیل کثرت استعمال آن واژه در عرف نمی‌تواند مستند استدلال قرار بگیرد همچنان که در قانون تجارت و ماده ۱ این قانون نیز تاجر را «کسی» می‌داند که... اما با این حال کسی تردیدی ندارد که اشخاص حقوقی نیز می‌توانند به عنوان تاجر شناخته شوند، اگر تصلب به واژگان به حدی باشد که چنین نتیجه‌گیری اخذ شود به تبع در خصوص ماده ۱ قانون تجارت نیز می‌بایست اعتقاد داشت که شخص حقوقی نمی‌تواند تاجر باشد. همین امر در خصوص ماده ۱۸۳ قانون مدنی نیز در تعریف عقد قابل مشاهده می‌باشد؛ این ماده در

مقام بیان تعریف عقد بیان می‌کند که عقد عبارت است از این که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آن‌ها باشد. بر این اساس باز هم تصلب به صرف واژگان این نتیجه بین الغی را می‌رساند که چون در این ماده از واژه نفر استفاده شده است پس شخص حقوقی نمی‌تواند عقد منعقد کند که همانا این امر بی تردید نادرست است. در همین راستا اصل ۳۴ قانون اساسی نیز حق دادخواهی را حق هر کسی دانسته است و شکی نیست که این استعمال از باب غلبه و کثرت است نه از باب انحصار.

- احتجاج به ماده ۵۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی این است که عبارات به کار رفته در این ماده از جمله «مشخصات و شغل و وسیله امرار معاش مدعی اعسار» بیانگر این است که منظور قانون‌گذار شخص حقیقی است نه شخص حقوقی، در حالی که مزبور خالی از قوت است زیرا این ماده حالتی را بیان می‌کند که شخص حقیقی مدعی اعسار است و برای این امر شرایط دادخواست و اسناد مورد نیاز مانند شهادت شهود تشریح می‌کند در حالی که به رسمیت شناختن این امر برای شخص حقیقی به معنای این نیست که شخص حقوقی نمی‌تواند دلیلی برای اثبات مدعای خود ارائه کند. در واقع می‌توان گفت در این مورد اثبات شئی نفی ماعدا نمی‌کند (قسمتی تبریزی، ۱۴۰۳: ۴۳). در خصوص ماده ۵۱۰ قانون اخیرالذکر نیز که محل احتجاج فوت مدعی اعسار و عدم امکان استناد ورثه به حکم اعسار از موضوع بحث خارج است؛ زیرا در مقام بیان اعسار شخص حقیقی است که با فوت وی این امتیاز و ارفاق به ورثه وی تعلق نمی‌گیرد.

همچنین به ماده ۵۱۲ ق.آ.د.م نیز استناد می‌شود که مطابق این ماده از تاجر، دادخواست اعسار پذیرفته نمی‌شود. در این مورد هم پیداست که قانون‌گذار از شخص تاجر سخن گفته است نه شخص حقوقی زیرا شخص حقوقی اعم از تاجر و غیر تاجر است، در صورتی که شخص حقوقی مدنظر شرکت سهامی باشد (خاص یا عام) با توجه به این که این شرکت‌ها

شکلا تجاری هستند (ماده ۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت)؛ لذا رد کردن اعسار این شخص مطابق قانون صحیح است اما اگر شرکت‌های دیگری نظیر شرکت با مسئولیت محدود باشد با توجه به اینکه احراز تاجر بودن آن نیازمند بررسی است زمانی می‌توان اعسار وی را رد کرد که وصف تجاری یا بازرگانی در خصوص وی صدق نکند، لذا در دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۳۷۰۱۵۳۱ شعبه ۳۷ دادگاه تجدید نظر استان تهران که درخواست اعسار شرکت با مسئولیت محدود را رد کرده است اگر ناظر بر تاجر بودن این شرکت با بررسی دادگاه بوده باشد صحیح است اما اگر به صرف شخص حقوقی بودن دعوا را رد کرده است محل اشکال است همچنان که از عبارات رای تجدیدنظر به نظر می‌رسد شخص حقوقی بودن را ملاک قرار داده و فعالیت تجاری شرکت مذکور را بررسی نکرده است.

۴. ادله امکان درخواست اعسار توسط شخص حقوقی

در مطالب گذشته به ادله مخالفین و نقد این ادله پرداخته شد. در ادامه به بررسی تفصیلی دلایل مشروعیت و قبول درخواست اعسار توسط شخص حقوقی پرداخته می‌شود.

۱. اصل تظلم خواهی و دادخواهی از اصول جهان شمول و فراگیری است که برای اشاره به آن نیازی به ذکر استدلال نیست و تمامی نظام های حقوقی با مقررات متفاوت در پی تحقق این اصل هستند و همچنان که اشاره شد در قانون اساسی و اصل ۳۴ نیز به این امر اشاره شده است. این حق از جمله حقوق اولیه همه اشخاص به شمار می‌رود تا در مواردی که حقوق و آزادی های آنها به هر شکلی در معرض تجاوز قرار گرفت، برای دادخواستن و احیای آن امکان مراجعه به مراجع صالح قضایی را داشته باشند (درویشوند و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۰). این اصلی اساسی است و قاعده‌ای عام است که شامل تمامی افراد و اشخاص است؛ زیرا زیر بنای آن هم حفظ نظم و تعادل در جامعه است؛ لذا از این جهت امر قضا در نظام اسلامی واجب می‌باشد (الحائری، ۱۳۸۱: ۱۷). زمانی که قانون این حق را برای اشخاص در نظر می‌گیرد و امر قضا نیز برای دولت و حاکمیت واجب است می‌توان

گفت مقدمه این واجب هم برای همه اشخاص می‌بایست یکسان در نظر گرفته شود. منطقی به نظر نمی‌آید که حق تظلم و دادخواهی به همه اشخاص داده شود و از طرف دیگر برای آنانی که تمکن مالی نداشته یا این که به اموال خود دسترسی ندارند نیز حق اعسار در نظر گرفته شود اما اشخاص اعتباری و حقوقی را از این اصل مستثنا بدانیم. اگر بیان شود که این حق از شخص حقوقی سلب نشده است و می‌توان با ارائه دادخواست توقف و ورشکستگی دادرسی را ادامه دهد باید بیان کرد که این امر موجب عسر و حرج و و نهایتاً موجب مرگ شخص حقوقی می‌باشد به عبارتی تالی فاسد این سخن این است که شخص حقوقی چه بسا در مواردی برای مطالبه طلب خود مجبور به تقدیم دادخواست ورشکستگی شود که غایت آن همانا انحلال شخص خواهد بود (ملک محمدی و اسکینی، ۱۴۰۱: ۱۸۴؛ جنیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۳۱). همچنان که نتیجه ورشکستگی تصفیه و نتیجه تصفیه نیز انحلال خواهد بود (سماواتی، ۱۴۰۲: ۴۳). اما امر به اینجا ختم نمی‌شود؛ زیرا در اثر صدور حکم ورشکستگی و حتی در بازه زمانی توقف شخص حقوقی دارای ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی راجع به تصرفات در اموال نیز می‌شود (ساعتچی و منتظرابدی، ۱۴۰۲: ۵۱).

۲. از طرف دیگر اگر برای شخص حقوقی حق درخواست اعسار از هزینه دادرسی را انکار کنیم و قائل به تقدیم درخواست ورشکستگی باشیم، این امر با قواعد عمومی راجع به ورشکستگی هم خوانی ندارد، زیرا همچنان که در ماده ۴۱۲ قانون تجارت مقرر شده است، ورشکستگی تاجر ناشی از توقف در تادیه وجوهی است که بر عهده او بوده است و تاجر به صرف عدم توانایی از پرداخت دین کتوقف تلقی می‌شود (موسوی و فضل‌ی جمور، ۱۴۰۳: ۲۳۶). حال سوال این است که هزینه دادرسی یک دعوا را می‌توان وجهی قلمداد کرد که مشمول این مقرره بشود؟ به نظر می‌رسد همچنان که برخی بر این نظر هستند تاجر زمانی متوقف قلمداد می‌شود که توان پرداخت دیون خود را نداشته باشد (رضایی و ملائی خاص، ۱۳۹۹: ۶۷) و هزینه دادرسی در معنای خاص دین تلقی نمی‌شود اگرچه این وجهی که برای شروع به رسیدگی برعهده وی می‌باشد. همچنین دعوای اعسار به طرفیت همان شخص و مورد خاص بوده و ارتباطی با سایر دیون شخص معسر ندارد. در واقع تقدیم

دادخواست اعسار از هزینه دادرسی حق هر کسی است که توان پرداخت چنین هزینه ای را ندارد و اگرچه اعسار یک دعوای مدنی است اما این بدان معنا نیست که منشا و سبب ورشکستگی گردد (محمدی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۸۶). علاوه بر این در نظام حقوقی دعوای ورشکسته و نهاد ورشکستگی مختص شخص تاجر است (حقیقی و یا حقوقی) و آنچه مختص غیرتاجر می باشد دعوای افلاس و اعسار است (آهنگران و دیگران، ۱۴۰۱: ۹۴). همچنین در مواردی مانند شهرداری در زمانی که توان تادیه هزینه دادرسی را ندارد اگر قائل به ورشکستگی شهرداری باشیم با منطق سازگاری ندارد زیرا وجود شهرداری برای ایجاد نظم و وظایفی که بر اساس قانون بر عهده وی قرار گرفته است و ورشکستگی این نهاد دارای منطق حقوقی نیست. از طرف دیگر در قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ برای این نهاد امر ورشکستگی پیش بینی نشده است و صرفاً در مواردی اجازه انحلال آن به وزارت کشور داده شده است (صافیان اصفهانی، ۱۳۹۳: ۴۱).

۳. دلیل دیگری که در راستای اثبات امکان درخواست اعسار برای شخص حقوقی قابل اشاره است وحدت حقوق میان شخص حقیقی و شخص حقوقی می باشد. بر اساس این اصل تمامی حقوقی که برای شخص حقیقی متصور است برای شخص حقوقی نیز متصور خواهد بود مگر آنکه ذاتاً مختص به شخص حقیقی باشد یا این که قانون منع کرده باشد. همچنان که در مقابل فرضی بودن شخص حقوقی نظریه واقعی بودن شخص حقوقی مطرح شده است لذا این شخص واجد اهلیت تام و کامل است و عدم اهلیت آنان امری استثنایی است (مهجوی و حبیبیان، ۱۳۹۳: ۴۶) که از ظاهر ماده ۵۸۸ قانون تجارت نیز چنین امری استنباط می شود. لذا در هر جایی مانند مورد محل بحث شک در داشتن اهلیت توسط شخص حقوقی پیش بیاید می بایست اصل را بر اهلیت گذاشته و امکان درخواست اعسار را برای شخص حقوقی پذیرفت. مضاف بر این نهاد اعسار از هزینه دادرسی خصوصیت خاصی ندارد که معتقد باشیم مخصوص و مختص انسان و شخص حقیقی است. موسسه ای که دارای شخصیت حقوقی است همان حقوقی را در طرح عوا خواهد داشت که شخص حقیقی دارد از جمله گرفتن وکیل، پرداخت و اعسار از هزینه دادرسی و موارد دیگر و دلیلی برای محروم کردن اشخاص از این نهاد وجود ندارد. همچنان

که نظریه واقعی بودن شخص حقوقی مبین همین امر می‌باشد (سلیمانزاده، ۱۴۰۴: ۲۶). از طرف دیگر زمانی که قانون‌گذار برای حفظ نظم جامعه در زمان عدم تمکن دادرسی را قابل انجام می‌داند و مقرر می‌کند که می‌توان معافیت موقت از هزینه دادرسی به عنوان کمک به اشخاص اعطا بشود چه فرقی می‌کند که این شخص، حقیقی غیر تاجر و یا حقوقی غیر تاجر باشد. در واقع اگر از تاجر درخواست اعسار پذیرفته نمی‌شود به دلیل ماهیت بازرگانی و تجاری وی می‌باشد؛ اما شخص حقوقی غیر تاجر مانند موسسات خیریه و دیگر موسسات که آورده مالی خاصی ندارند ممکن است با عدم پذیرش اعسار این اشخاص عسر حرج برای آن‌ها ایجاد بشود، برای روشن شدن موضوع می‌توان مثالی را مطرح کرد فرض کنید در اثر تخریب اموال شخص حقوقی تلف شود باید در نظر داشت با توجه به این که اموال این شخص متعلق به مدیران و سهام داران نمی‌باشد خود شخص حقوقی به وسیله نماینده می‌بایست طرح دعوا کند و از طرفی برای دادخواست ضرر و زیان نیز لازم است که هم مانند قواعد آیین دادرسی مدنی دادخواست و هزینه دادرسی تقدیم بشود حال این شخص حقوقی برای احقاق حق خود طبق نظر مخالفین یا می‌بایست دادخواست ورشکستگی تقدیم کند یا اینکه از احقاق حق خود صرف نظر کند که بدیهی است چنین امری پذیرفته نیست. همچنین در حالتی که شخص حقوقی غیرتاجر در پی مطالبه طلب خود بر می‌آید و هزینه دادرسی دعوای مالی با توجه به بالا بودن طلب بالا باشد ممکن است که پرداخت این هزینه در توان شخص نباشد و لذا احقاق حق برای وی منتفی می‌شود در حالی که هیچ منعی وجود ندارد اگر قائل به معافیت موقت و نه دائم این اشخاص باشیم.

۴. نکته‌ی دیگری که در این خصوص لازم است به آن اشاره شود این است که دادخواهی حق افراد یک ملت است و دولت از این جهت تکلیف به دادرسی دارد. این تکلیف برای دولت فارغ از جوانب مختلف بیشتر از جهت حفظ نظم و عدم اختلال در نظم عمومی است؛ لذا اخذ هزینه برای این کار خود از جهاتی دارای ایراد است به عبارتی اصل مبنای دریافت هزینه دادرسی محل تردید است و این امر نباید مانع حق مسلم تظلم خواهی اشخاص بشود همچنان که اگر اعسار شخص حقوقی پذیرفته نشود مستلزم چنین امری

می‌باشد. در واقع ممکن است تصلب بر اخذ هزینه دادرسی گامی باشد به سوی سیستم قضایی سرمایه داری در جایی که اشخاصی متمکن هستند امکان طرح دعوی مختلف از جمله دعوی واقعی و واهی را دارند اما اشخاص دیگر که ناتوان از پرداخت چنین هزینه‌ای هستند می‌بایست روند سخت اثبات اعسار را ثابت کنند (محمدی و دیگران، ۱۴۰۳: ۲۲۸). در حالی که حتی با دید مشروعیت و درستی مبنای اخذ هزینه دادرسی اعسار اشخاص و معافیت ایشان به صورت موقتی است و این معافیت دائمی نمی‌باشد. همچنان که برخی مبنای اخذ چنین مبالغی را مخدوش می‌دانند (محمدی و دیگران، ۱۴۰۲: ۲۳۰). و دلیل آن را نیز اصل حرمت اجرت گرفتن نسبت به اعمال واجب گفته اند زیرا که قضاوت واجب شرعی است و اخذ اجرت بر آن جایز نیست (علامه حلی، بی تا، ج ۲: ۱۳۸؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰: ۱۷). زیرا از جهت رعایت حفظ نظم در جامعه و راضی نبودن شارع در عدم وجود نظم و باز بودن باب ستم لازم است این کار واجب است و نباید برای چنین کار با اهمیتی اجرت گرفت (اردبیلی، بی تا، ج ۸: ۸۹؛ کرکی، بی تا، ج ۴: ۳۶؛ خویی، بی تا، ج ۱: ۶) و بررسی دلالتی روایات نیز مثبت چنین حکمی می‌باشد (زرگوش نسب و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۴۷).

۵. رویه قضایی در خصوص اعسار شخص حقوقی

در این راستا نظریه مشورتی شماره ۲۲۲ مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۱ اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز موید همین امر می‌باشد که اعسار شخص حقوقی غیر تاجر در خصوص هزینه دادرسی قابل استماع می‌باشد، مطابق این نظریه «مقررات ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴ صرفاً ناظر به دادخواست اعسار از پرداخت محکوم به است و منصرف از دادخواست اعسار از پرداخت هزینه دادرسی است». همچنین نظریه مشورتی دیگری به شماره ۷/۹۵/۱۲۴۱ در تاریخ ۱۳۹۵/۰۵/۲۷ در خصوص اعسار موقوفه از هزینه دادرسی صادر شده است که امکان چنین امری را پذیرفته و ماده ۱۵ ق.ن.ا.م. را منصرف از اشخاص حقوقی غیر تاجر می‌داند.

در نظریه دیگری به شماره ۴۸۸/۹۸/۷ مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۱۱ در خصوص اعسار از هزینه دادرسی توسط شهرداری و اشخاص حقوقی این گونه بیان شده است «مقررات ماده ۱۵

قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی ۱۳۹۴ صرفاً ناظر به دادخواست اعسار از پرداخت محکوم به و منصرف از دادخواست اعسار از پرداخت هزینه دادرسی است. در خصوص دادخواست اعسار از پرداخت هزینه دادرسی مطروحه از سوی اشخاص حقوقی باید مطابق مقررات مذکور در فصل دوم باب هشتم قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ (مواد ۵۰۴ تا ۵۱۴) رفتار گردد و لذا اولاً: در مورد پذیرش دعوی اعسار اشخاص حقوقی حقوق خصوصی تجاری از پرداخت هزینه دادرسی منع قانونی وجود دارد، زیرا طبق ماده ۵۱۲ قانون اخیرالذکر از تاجر دادخواست اعسار پذیرفته نمی‌شود ولی در مورد اشخاص حقوقی حقوق خصوصی غیرتجاری، دعوای اعسار از پرداخت هزینه دادرسی قاعداً قابل استماع است، زیرا به هر حال قابل تصور است که شخص مذکور دارای اش کفایت نکند یا به اموالش دسترسی نداشته و موقتاً قادر به تأدیه نباشد. ثانیاً: در مورد اشخاص حقوقی حقوق عمومی مانند شهرداری ها هر چند اعسار از پرداخت هزینه دادرسی خلاف ظاهر و احراز آن دشوار است، در عین حال استماع آن منع قانونی ندارد.» مشابه چنین نظری در نظریه مشورتی شماره ۱۷۳۸/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۲۹ نیز دیده می‌شود.

برخی از آرای دادگاه ها نیز مبتنی بر استدلالات فوق الذکر در مقام پذیرش اعسار شخص حقوقی غیر تاجر می‌باشد، در دادنامه شماره ۱۴۰۲۴۹۳۹۰۰۰۰۹۳۲۰۶ مورخ ۲۹/۱/۱۴۰۲ شعبه سوم دادگاه تجدیدنظر استان سمنان نیز تایید و مورد توجه واقع شده است: «قانون‌گذار در ماده ۱ قانون تجارت در تعریف تاجر از کلمه «هر کس» استفاده نموده لیکن بندهای ماده ۲ این قانون شامل شرکتهای تجاری یعنی اشخاص حقوقی نیز می‌شود. بنابراین نمی‌توان گفت: کلمه «هر کس» صرفاً شامل اشخاص حقیقی می‌گردد. ثانیاً، در ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی نیز قانون‌گذار از کلمه «هر کس» استفاده نموده، لیکن در ماده ۱۵ این قانون علاوه بر تاجر، اشخاص حقوقی را نیز شامل ممنوعیت از طرح دعوی اعسار دانسته است؛ چنانچه بپذیریم قانون اخیر صرفاً شامل اشخاص حقیقی می‌شود، نمیتوان از وحدت مالک یا تنقیح مناط این ماده برای ممنوعیت اعسار اشخاص حقوقی استفاده نمود. قانون‌گذار در ماده

۵۱۲ قانون تجارت صرفاً از کلمه تاجر استفاده نموده و در مقام بیان از سایر اشخاص حقوقی غیرتجاری (دولت و نهادهای عمومی) (اسمی نبرده است؛ بنابراین ممنوعیت طرح دعوی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی با توجه به راهکاری که در قانون تجارت پیش‌بینی شده است صرفاً شامل حال تاجر می‌شود نه اشخاص حقوقی غیرتجاری (همچون ادارات دولتی و شهرداریها). اینکه قانون‌گذار در قوانین خاص، تعدادی از وزارتخانه‌ها را از پرداخت هزینه دادرسی معاف نموده به معنای اینکه الزاماً قانون‌گذار باید برای هر وزارتخانه یا نهاد عمومی راجع به پرداخت هزینه دادرسی تصریح به معافیت نماید و عدم پذیرش اعسار از پرداخت هزینه دادرسی سایر اشخاص تصریح نشده، نیست؛ النهایه اینکه ممنوعیت از اقامه دعوی با توجه به اصل سی و چهارم قانون اساسی مستلزم تصریح است، بنابراین منعی در استماع دعوی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی تجدیدنظر خواه وجود ندارد».

نتیجه‌گیری

پذیرش دعوای اعسار از هزینه دادرسی توسط شخص حقوقی اعم از دولتی و خصوصی و یا عمومی غیر دولتی از موارد مورد اختلاف در نظام حقوقی ایران می‌باشد همچنان که در آرای دادگاه و نیز نظریه‌های مشورتی چنین اختلافی دیده می‌شود، در این راستا مخالفین پذیرش اعسار شخص حقوقی به ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و مواد دیگر در قانون آیین دادرسی مدنی استناد کرده و معتقدند که این نهاد مختص شخص حقیقی است و مورد نهی قانون‌گذار قرار گرفته است لذا امکان طرح دعوای اعسار توسط شخص حقوقی قابل پذیرش نیست، در مقابل موافقین این امر استدلال کرده‌اند که ماده ۱۵ قانون اخیر‌الذکر منصرف از شخص غیر تاجر است و در خصوص محکوم به جریان دارد همچنان که عنوان قانون نیز محکومیت مالی است و ناظر به هزینه دادرسی نمی‌باشد، از طرف دیگر نهاد اعسار به شکلی نیست که مختص و از ذاتیات شخص حقیقی باشد مانند ابوت و نکاح و... زمانی که شخص حقوقی به ثبت می‌رسد تمامی حقوقی که شخص حقیقی دارد در خصوص وی نیز جریان خواهد داشت، همچنان که برخی اوقات پذیرش ارتکاب جرم توسط شرکت‌ها مورد تردید بوده است اما در حال حاضر پذیرش ارتکاب جرم برای این شخص آسان گردیده است، همچنین عدم پذیرش دعوای اعسار شخص حقوقی غیرتاجر در موارد زیادی با اصل دسترسی به محاکم و اصل عدالت هم‌خوانی ندارد زیرا بسیاری از موسسات خیریه و دیگر موسسات درآمد به خصوصی ندارند که بتوانند در زمان مطالبه طلب خود یا هر دعوای دیگری توان پرداخت هزینه دادرسی را داشته باشند، حال پذیرش این عقیده که شخص حقوقی نمی‌تواند دعوای اعسار اقامه کند مستلزم زائل شدن حقوق این شخص خواهد بود و قاعدتاً این امر نیز با نظم عمومی مخالفت دارد زیرا مبنای وجود محاکم در کشورهای مختلف برپایی نظم در جامعه می‌باشد. بر این اساس است که برخی دادگاه‌ها به سمت پذیرش چنین دعوایی گام برداشته‌اند.

فهرست منابع

منابع فارسی و عربی

۱. الأردبیلی، أحمد بن محمد (بی تا). مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان (ج ۸). قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۲. الحائری، السید کاظم (۱۳۸۱). القضاء فی الفقه الإسلامی. قم: مجمع الفکر الإسلامی
۳. الحلّی، علامة (بی تا). إرشاد الأذهان إلی أحكام الإیمان. قم: النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرّسین.
۴. الخوئی، السید أبو القاسم (بی تا). مبانی تکملة المنهاج. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۵. الکرکی، المحقق (بی تا). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۶. النراقی، المولی أحمد (بی تا). مستند الشیعة (ج ۱۷). قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۷. آهنگران، سمیه، روستائی صدرآبادی، حمید، جعفری، نصرالله و ارژنگ، اردوان (۱۴۰۱). «اعتبارسنجی فقهی، حقوقی ورود غیرتاجر در قانون ورشکستگی ایران». مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، ۱۶ (۴۶)، ۷۷-۹۹. doi: 10.22034/fvh.2021.11344.1401
۸. اصغراقا، مهدی و حبیبیان، مهدی (۱۳۹۳). «بررسی اهلیت شخص حقوقی در فقه و حقوق». پژوهش نامه فقه اجتماعی، ۲ (۴)، ۲۷-۵۰.
۹. ادبی فیروزجایی، علی، آقاعباسی، رضا و خالوئی تفتی، سید سجاد (۱۴۰۱). «جایگاه هزینه دادرسی از منظر فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه». فصلنامه تمدن حقوقی، ۵ (۱۱)، ۴۸۳-۵۰۲. doi: 10.22034/lc.2022.149753
۱۰. جنیدی، لعیا، اسکندری، حسن و فرجام، بهزاد (۱۳۹۶). «تأثیر ورشکستگی شرکت‌های مادر و تابعه بر یکدیگر با تدقیق در روابط و مسئولیت متقابل آنها». مطالعات حقوق خصوصی، ۴۷ (۲)، ۲۳۱-۲۴۹.
۱۱. درویشوند، ابوالفضل، کدخدامرادی، کمال و فتاحی زفرقندی، علی (۱۴۰۰). «تضمینات حق دادخواهی در نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نظرهای شورای نگهبان». فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۱۰ (۳۴)، ۲۹-۵۵. doi: 10.22034/qjplk.2021.235
۱۲. رضایی، علی و ملائی خاص، میلاد (۱۳۹۹). «توقف تاجر از پرداخت دیون در نظام حقوقی ایران و آمریکا». فصلنامه قضاوت، ۲۰ (۱۰۲)، ۶۳-۸۵.

۱۳. زرگوش نسب، عبدالجبار، نظریور، حمزه و نظریور صمصامی، نادیا (۱۴۰۲). «بازجستی در مشروعیت هزینه دادرسی». فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، ۲۸(۱۰۳)، ۱۲۷-۱۵۰. doi: 10.22034/jlvi.2024.1998693.0
۱۴. ساعتچی، علی و منتظر ابدی، فاطمه (۱۴۰۲). «مطالعه تطبیقی وضعیت حقوقی قراردادهای تاجر ورشکسته بعد از صدور حکم ورشکستگی». پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۰(۴)، ۷۲-۴۹.
۱۵. سلیمانزاده، سمیرا (۱۴۰۴). «شخصیت حقوقی، تاریخچه، مبانی و آثار، با تاکید بر بررسی تطبیقی شرکتهای تجاری در نظام حقوقی ایران و حقوق نوشته (فرانسه و آلمان)». فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۸(۲۶)، ۷۹-۱۰۶. doi: 10.22034/law.2025.2045235.1480106-79
۱۶. سماواتی، حشمت اله (۱۴۰۲). اصول ورشکستگی مطالعه تحلیلی و نظری ورشکستگی بازرگانان حقیقی و شرکتهای تجاری در حقوق ایران، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد
۱۷. صافیان اصفهانی، احسان (۱۳۹۳). «بررسی دعوای شهرداری دائر بر اعسار از پرداخت هزینهی دادرسی». نشریه تعالی حقوق.
۱۸. علی زاده، امیرحسین و علی زاده، قاسم (۱۳۹۶). «اثر قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی بر قواعد ورشکستگی اشخاص، دعوی اعسار آنها و معامله به قصد فرار از دین». فصلنامه قضاوت، ۱۷(۹۲)، ۱۰۳-۱۳۶.
۱۹. فصیحی زاده، علیرضا و اسعدی، سید حسین. (۱۳۹۶). عدول از اصول دادرسی و قواعد حقوقی در دعوای اعسار. پژوهش حقوق خصوصی، ۶(۲۰)، ۱۰۱-۱۲۵. doi: 10.22054/jplr.2017.7842125-101
۲۰. قسمتی تبریزی، علی (۱۴۰۳). «اعسار دولت از هزینه دادرسی». مجله حقوقی دادگستری، ۸۸(۱۲۶)، ۶۰-۳۵. doi: 10.22106/jlj.2024.2009755.5401
۲۱. محسنی، حسن (۱۳۹۵). «نوآوری‌های قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی». پژوهش حقوق خصوصی، ۴(۱۵)، ۸۵-۱۰۷. doi: 10.22054/jplr.2016.4458107-85
۲۲. محمدی، پژمان، احمدی، خلیل و کیانپوریان نژاد، میلاد (۱۴۰۲). «مناسبات میان هزینه دادرسی و اصول دادرسی منصفانه؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان». مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ۱۴(۳۱)، ۲۲۱-۲۵۳. doi: 10.22034/law.2023.50910.3119
۲۳. محمدی، سام، جمشیدی، امید و جمشیدی، ماحد (۱۳۹۸). «اثر دین مدنی (غیرتجارتی) در وقوع ورشکستگی». پژوهش‌های حقوقی، ۱۸(۴۰)، ۲۶۵-۲۹۶. doi: 10.48300/jlr.2020.104236
۲۴. ملک محمدی، شیرین و اسکینی، ربیعا (۱۴۰۱). «آثار ورشکستگی شرکتهای اصلی بر وضعیت حقوقی شرکتهای تابعه در شرکتهای چند ملیتی و نحوه تصفیه آن (مطالعه تطبیقی با آنسیترال)». دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی، ۹(۱)، ۱۶۹-۱۹۲. doi: 10.22096/law.2022.121394.1631

۲۵. مهدوی، اصغراقا و حبیبیان، مهدی . (۱۳۹۳). بررسی اهلیت شخص حقوقی در فقه و حقوق. پژوهش‌نامه فقه اجتماعی، ۲(۴)، ۲۷-۱۰. doi: 10.30497/fiqh.2014.243350
۲۶. موسوی، سید عباس و فضل‌ی جمور، یوسف (۱۴۰۳). «آیین صدور و اجرای حکم ورشکستگی». دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی، ۱(۲)، ۲۳۱-۲۶۲. doi: 10.22034/jpl.2025.2039600.1110

References

1. Adabi Firouzjaei, Ali, Agha Abbasi, Reza and Khaloui Tafti, Seyyed Sajjad (1401). "The Position of Litigation Costs from the Perspective of Imami Jurisprudence, Iranian and French Law". *Legal Civilization Quarterly*, 5(11), 483-502. doi: 10.22034/lc.2022.149753. (in Persian)
2. Ahangaran, Somayeh, Roustaei Sadrabadi, Hamid, Jafari, Nasrallah, and Arzhang, Ardovan (1401). "Jurisprudential and Legal Validation of the Entry of Non-Merchants in the Bankruptcy Law of Iran". *Studies in Islamic Jurisprudence and Fundamentals of Law*, 16(46), 77-99. doi: 10.22034/fvh.2021.11344.1401. (in Persian)
3. Al-Ardabili, Ahmed bin Muhammad (n.d.). *Majma al-Fedat al-Burahan in Sharh Irshad al-Azhan* (Vol. 8). Qom: Islamic Publishing House. (in Arabic)
4. Al-Hairi, Sayyid Kazem (1381). *Judiciary in Islamic jurisprudence*. Qom: Islamic Thought Forum. (in Arabic)
5. Al-Halli, al-Alam (n.d.). *Guidance of the mind to the rules of faith*. Qom: Al-Nashar al-Islami, affiliated with Jamaat al-Madrasin. (in Arabic)
6. Alizadeh, Amirhossein and Alizadeh, Qasem (2017). "The effect of the law on the execution of financial convictions on the rules of bankruptcy of individuals, their insolvency claims and transactions with the intention of evading debt". *Judiciary Quarterly*, 17(92), 103-136. (in Persian)
7. Al-Karaki, A.-M. (n.d.). *Jami' al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id*. Al al-Bayt Institute.
8. Al-Kurki, al-Muhaqq (n.d.). *Jami al-Maqasid in the explanation of the rules*. Qom: Al-Bayt Foundation, peace be upon them. (in Arabic)
9. Al-Naraghi, Al-Mouli Ahmad (n.d.). *Document al-Shi'ia* (Vol. 17). Qom: Al-Bayt Foundation, peace be upon them, for the revival of tradition. (in Arabic)
10. Asghar Agha, Mehdi and Habibian, Mehdi (2014). "Investigating the capacity of a legal person in jurisprudence and law". *Journal of Social Jurisprudence*, 2(4), 27-50. (in Persian)
11. Darvishvand, Abolfazl, Kadkhodamoradi, Kamal and Fattah Zafarqandi, Ali (1400). "Guarantees of the Right to Legal Redress in the Islamic Republic of Iran Based on the Opinions of the Guardian Council". *Quarterly Journal of General Law Knowledge*, 10(34), 29-55. doi: 10.22034/qjplk.2021.235. (in Persian)

12. Fasihzadeh, Alireza, & Asadi, Seyed Hossein. (2017). Deviation from the principles of litigation and legal rules in the claim of insolvency. *Private Law Research Journal*, *6*(20), 101-125. <https://doi.org/10.22054/jplr.2017.7842> . (in Persian)
13. Ghesmati Tabrizi, Ali. (2024). Insolvency of the government from litigation costs. *Judicial Law Journal*, 88(126), 35-60. <https://doi.org/10.22106/jlj.2024.2009755.5401> . (in Persian)
14. Junaidi, Laya, Eskandari, Hassan and Farjam, Behzad (2017). "The impact of bankruptcy of parent and subsidiary companies on each other by examining their relationships and mutual responsibility". *Private Law Studies*, 47(2), 231-249.
15. Mahdavi, Asghar Agha, & Habibian, Mahdi. (2014). Examining the Legal Competence of Juridical Persons in Jurisprudence and Law. *Social Jurisprudence Research Journal*, 2(4), 27-50. doi: 10.30497/fiqh.2014.2433 . (in Persian)
16. Malek Mohammadi, Shirin and Skini, Rabia (2021). "The Effects of Bankruptcy of Parent Companies on the Legal Status of Subsidiaries in Multinational Companies and the Method of Liquidation (A Comparative Study with UNCITRAL)". *Comparative Law Bi-Quarterly*, 9(1), 169-192. doi: 10.22096/law.2022.121394.1631. (in Persian)
17. Mohammadi, Pejman, Ahmadi, Khalil and Kianpourian-nejad, Milad (2013). "Relationships between litigation costs and fair trial principles; a comparative study in Iranian and English law". *Contemporary Comparative Law Studies*, 14(31), 221-253. doi: 10.22034/law.2023.50910.3119. (in Persian)
18. Mohammadi, Sam, Jamshidi, Omid and Jamshidi, Madeh (2019). "The effect of civil (non-commercial) religion on the occurrence of bankruptcy". *Legal Research*, 18(40), 265-296. doi: 10.48300/jlr.2020.104236. (in Persian)
19. Mohseni, Hassan (2016). Innovations in the Law on the Execution of Financial Convictions. *Private Law Research*, 4(15), 85-107. doi: 10.22054/jplr.2016.4458 .(in Persian)
20. Mousavi, Seyed Abbas and Fazli Jamour, Yousef (2014). Procedure for Issuing and Enforcing Bankruptcy Judgment. *Bi-Quarterly Journal of Research and Development in Private Law*, 1(2), 231-262. doi: 10.22034/jpl.2025.2039600.1110. (in Persian)

21. Rezaei, Ali and Mollaei Khas, Milad (2019). "Businessman's failure to pay debts in the Iranian and American legal systems". *Jurisprudence Quarterly*, 20(102), 63-85. (in Persian)
22. Saatchi, Ali and Montazer-Abdi, Fatemeh (2021). "A Comparative Study of the Legal Status of Contracts of a Bankrupt Businessman after Issuance of a Bankruptcy Order". *Comparative Research on Islamic and Western Law*, 10(4), 49-72. (in Persian)
23. Safian Esfahani, Ehsan (2014). "Investigation of a municipal lawsuit regarding failure to pay legal fees." *Ta'la'ah Huqoq Journal*. (in Persian)
24. Samavati, Heshmat Elah (1402). *Principles of Bankruptcy: An Analytical and Theoretical Study of Bankruptcy of Real Merchants and Commercial Companies in Iranian Law*, Tehran, Majd Scientific and Cultural Association Publications . (in Persian)
25. Soleimanzadeh, Samira (2014). "Legal Personality, History, Principles and Works, with Emphasis on Comparative Study of Commercial Companies in the Iranian Legal System and Written Law (France and Germany)". *Quarterly Journal of Research and Development in Comparative Law*, 8(26), 79-106. doi: 10.22034/law.2025.2045235.1480 .(in Persian)
26. Zargoosh Nasab, Abdoljabbar, Nazarpour, Hamzeh, and Nazarpour Samsami, Nadia (1402). "A Re-examination of the Legitimacy of Litigation Costs". *Quarterly Journal of Judicial Law Perspectives*, 28(103), 127-150. doi: 10.22034/jlvi.2024.1998693.0. (in Persian)